

خبرنامه

اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران

شماره هفتم - سیام فروردین ۱۳۵۷

استعمار سرخ و سیاه؟!

روزی نیست که بلندگوهای تبلیغاتی "دستگاه استبداد" با سوءاستفاده از امکانات وسیعی که در اختیار دارند نعره‌های خود را توأم با بیشرمانه‌ترین دروغ‌ها در راه انحراف افکار عمومی بگوش مردم این آب و خاک نرسانند.

اداره کنندگان این سازمانهای تبلیغاتی با شایعه‌سازیهایی که هرروز بعد وسیعتری می‌گیرد چندی است مبارزه با استعمار سرخ و سیاه را بدون تعریف مشخص و ملموسی از این دو استعمار بهانه‌عریده جویسی قرار داده و اینطور وانمود می‌کنند که هر کس راجع به فساد دستگاه حاکم که تا اعماق اجتماع ما را به تباهی دچار کرده و یا از اختناق و خودکامگی آن که از حد گذشته است کلامی بر زبان آورد اجنبی‌پرست است و نوکر یک یا هر دو استعمار.

به این مبلغان انقلاب سفید و طرفداران حزب فراگیر باید گفت که اگر مقصود از استعمار سیاه دولتها و شرکتهای بزرگ غربی هستند که از طریق صدور سرمایه و کمک سرمایه‌های وابسته و ایجاد تأسیسات شبه صنعتی و مونتاژ به نفع خود و ضرر ملت ایران عمل می‌کنند؟ چرا به پیروی از سیاست مستقل ملی با معرفی این دولتها و شرکتهای سرمایه‌های استعماری روش خود را نسبت به آنها روشن نمی‌کنند و به این غارت همه جانبه و مداوم خاتمه نمی‌دهند؟

سال گذشته عنوان شد که قیمت نفت در سال ۱۹۷۸ باید بالا برود و با توجه به نیازی که نسبت به این ماده حیاتی وجود دارد از یاد قیمت آن عادلانه است.

امر شد که وارد معقولات نشوید، قیمت نفت باید ثابت بماند. مثل همیشه تسلیم در مقابل فرمان بهترین راه حل بود - تسلیم شدید - راد یوها و روزنامه‌هایی که در موقع اعلام بالا بردن قیمت نفت شدت از آن دفاع می‌کردند بلافاصله مدافع سرسخت تثبیت قیمت شدند.

بد نیست بدانید که حسن وزیر امور خارجه ایران و هنر او سکوت و عدم دخالت در سیاست بود، اخیراً ایشان هم بصدا درآمد و پس از بیانات مضحک و بی اساسی در مورد مسافرت کورت والد هایم و تماس گرفتن او با نمایندگان "جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر" راجع به نفت اظهاراتی کرده که در شماره ۱۰۴۳۳ بیستم فروردینماه روزنامه کیهان بچاپ رسیده است.

جناب وزیر گفته: ما از طرف اعضاء اوپک به علت سقوط بی‌دری دلار در فشار هستیم و آنها می‌خواهند قیمت نفت را بالا ببرند ولی ما بیچاره هستیم و تسلیم

بقیه در صفحه ۲

پیروزی به بهای جانگدازی

در بهبوحه فریبکاریهای "دستگاه استبداد" که زیر نام "عفو" انجام میگرفت، زندانیان سیاسی زندان قصر برای بدست آوردن ابتدائی‌ترین حقوق انسانی که قانونهای کشوری و میثاقهای بین‌المللی آنها تضمین کرده است بپا خاستند. اعتراض و بپاخاستگی مبارزان در شرایط سهمگین زندان که آدمکشان حرفه‌ای ساواک و پلیس در لباس نگهبان بر آن سلطه دارند و حتی شمار نفس‌ها نیز از کنترل دور نمی‌ماند مایه رفتن از هستی خود یعنی نوعی جانبازی و ایثار می‌باشد. در خیمان حکومتی که سالهاست زندانها را با وحشیانه‌ترین شیوه‌ها اداره می‌کنند در ابتدا تلاش نمودند که با تهدید و دشنام گوئی و کتک زدن زندانیان در عزم راسخ آنها خدشه وارد سازند ولی از این زشتکاری جز رسوائی بهره‌ای نبردند چه پایداری یاران عهد بر بسته به آنها نشان داد که از خشونت در داخل زندان طرفی نخواهند بست.

دومین واکنش "میرفضبان" بی‌اعتنائی بود و تصور میکردند که بمرور زندانیان از تصمیم خویش دست برمی‌دارند و خود "اعتصاب غذا" را می‌شکنند و بارها به زندانیان و خانواده‌های نگران آنها اعلام نمودند بمرگ اعتصاب کنندگان نیز

بقیه در صفحه ۲

آخرین خبر

اوج‌گیری تروریسم دولتی

دیشب بار دیگر تروریستهای "دستگاه استبداد" دست به وحشیگری زدند و در حدود ساعت ده (به وقت ساختگی دولت) در دفتر وکالت آقای منوچهر مسعودی (واقع در ابتدای خیابان لاله زار نو) عضو برجسته حزب ملت ایران و از بنیادگزاران انجمن حقوق‌دانان ایران با کار گذاشتن بمب در پاشنه در ورودی انفجاری مهیب ایجاد نمودند حدود ساعت یازده و نیم (به وقت ساختگی دولت) خانه آقای هدایت‌الله متین‌دفتری (در خیابان پاستور) چند صد قدمی کاخ نخست‌وزیری (وکیل دادگستری، روشنفکر مبارز و از بنیادگزاران انجمن حقوق‌دانان ایران) با پرتاب بمب و انفجار وحشتناک آسیب فراوان دید.

در چند ماه گذشته که "دستگاه استبداد" ناگزیر گردیده تعقیب پارهای از مبارزان را که برای آنها پرونده‌سازی شده است به دادگستری واگذار کند، آقایان هدایت‌الله متین‌دفتری و منوچهر مسعودی از جمله وکیلانی بودند که با پشتکار فراوان دفاع قانونی از این مبارزان را بعهده گرفتند و بخصوص در دفاع از دانشجویانی که به اتهام‌های واهی در فاصله روزهای هشتم تا بیستم فروردینماه جاری در شعبه اول دادگاه جنایی تهران نقش نمایانسی داشتند.

پیروزی به
اهمیت نمی دهند.
روزها و هفته ها گذشت، چهره زندانیان به زردی گرائید، ضعف بر اندامشان چیره شد و نشانه های فلج در بسیاری از آنان پدیدار گشت ولی در درون آتش پایداری شعله میکشید.

روان مقام و آرمان تابناک چهره آزادگان در بند را رویاری تاریخ قرار میداد تا مرگ افتخار آمیز کالبد خود را پذیرا شوند اما قامت پرابهتشان را که با ابدیت پیوند می یافت در برابر استعمار و استبداد خم نکنند چه زمان آنها را بگونه فرزندان شایسته ایران زمین در صحنه آزمایش نهاد بود.

این دلیران دست از جان شسته گویی بیانگر این واقعیت بودند که نظام استبدادی وابسته به بیگانه با تمام تلاشهای خود جهت نابود سازی ارزشهای برین انسانی و فرهنگی ایرانیان، هنوز نتوانسته است فضیلت و پایداری را در این سرزمین تاریخی ریشه کن سازد. پیروزی عظیم زندانیان سیاسی در مرحله نخست مربوط به خودشان است که طی این مدت دراز و تا آستانه مرگ از پای طلب نشستند.

در مرحله دوم مربوط به افشاگری و پیگیری، زنان "جگر آوری" بود که داستانهای کهن با پایداری زنان مرد آفرین را بیاد می آورد. این مادران و خواهران و دختران و همسران درست اعتقاد به قیمت ناسزا شنیدن و جفا خوردن و حتی بازداشت شدن دست از حق طلبی نکشیدند و هر روز در این ظلمت که فریاد "استمداد" را رساتر ساختند و همگان را از وضع بحرانی و خطرناک عزیزان خود آگاه ساختند.

تلاش دلاورانه این زنان نخبه میهن ما برگ دیگری بر دفتر سیاهکاریهای "دستگاه استبداد" اضافه کرد و از یکسو نشان داد افسانه آزاد سازی "نیمی از افراد جامعه" و "احترام به حقوق زن" همچون سایر اصول انقلاب کذایی بی اساس است و از سوی دیگر آشکار نمود که خوشبختانه کوشش دست اندرکاران حکومت برای "عروسک" ساختن زنان و تبدیل آنان بقیه در صفحه ۳

استعمار سرخ
اما اگر مقصد از استعمار سرخ نفوذ دولت شوروی و احیانا "اقرار آنست چرا با بکار بستن سیاست مستقل ملی به این استعمارگران نمی گوئید که دیگر حاضر نیستم گاز خود را تقریبا" رایگان در اختیار شما قرار دهم (در این مورد نه از طرف دولت ایران یا شرکت ملی نفت و نه از طرف دولت شوروی هیچ نشریه منتشر نشد و هیچ اطلاعیه ای صادر نگردید تا ملت ایران یعنی مالک واقعی گاز از چگونگی این معامله مطلع شود.) روشن است هر حکومتی که بین مردم پایگاهی ندارد، باید متکی بر قدرت اجنبی باشد و تسلیم خواستها و طمع ورزیهای بی پایان او چه سرخ و چه سیاه.

مدعیان ترقیات چشمگیر، بی نظیر و محیر العقول کشور هیچ می دانند که با داشتن ۲۳ میلیارد دلار درآمد ارزی سالانه از نفت، مملکت را که از نظر محصولات کشاورزی خود کفا بود به روزی انداخته اند که اکنون از بزرگترین وارد کنندگان محصولات کشاورزی است؟ هیچ میدانند که هندوستان با داشتن ۶۸۰ میلیون نفر جمعیت فقط چهار میلیارد درآمد ارزی دارد و هیچ میدانند که این کشور بزرگ و فقیر آسیای از نظر کشاورزی به سرحد خود کفایی رسیده است؟

آنجا ثروت مملکت بمصرف عشرتکده کیش - قمارخانه رامسر و نمیرسد آنجا زیربنای صنعتی بر اصولی مطالعه شده و محکم و استوار پی ریزی گردیده و مونتاز اتومبیل و رادیو و غیره به نام صنعت ملی معرفی نمیشود و از این راه میلیونها دلار به جیب کمپانیها و شرکتهای استعماری نمی ریزند، در آنجا احزاب فرمایشی نیستند و با صد فرمان تشکیل و منحل نمی شوند، مردم در سرنوشت کشور مداخله و نظارت دارند و دولتها به اراده مردم می آیند و میروند.

آنچه را که نسل های آینده ایران به دستگاه حاکم فعلی ایران نخواهد بخشید کشتن شخصیت و عدم پرورش افرادی است با شخصیت و آشنا به اداره مملکت. متأسفانه هیئت حاکمه ایران بدون توجه به این مسئله سیاست خود را بر این اصل قرار داده است که "دنیای برگ من چه دریا چه سراب".

نمونه بارز ایران مداران با کمال و فاعل! هماهنگ کننده جناح پیشرو و حزب فراگیر است. این عضو سابق حزب توده و سرسپرده فعلی "سیا" یا روشنتر، بنده بی فکر، فرمانبردار بی چون و چرای قدرت که پس از خدمات درخشان در سازمان برنامه اکنون به عنوان یک صاحب نظر در سایر ایندولوژیکی انجام وظیفه می کند.

با اعلام بسیج عمومی، چاقو کشتان خرفه ای و جلادان آدم کشر و مأموران ساواک را به نام "کمیته اقدام ملی" و "سازمان زیرزمینی انتقام" نیمه شب به خانه مبارزان ملی می فرستد و با انفجار بمب سیاست حزب فراگیر را یگوش مردم میرساند.

آیا این از ضعف رژیم حکایت نمی کند که با وجود صرف میلیارد ها دلار برای تجهیزات نظامی مافوق مدرن و دهها هزار پلیس و ژاندارم سرتاپا مسلح از روبرویی با مردمی که اسلحه آنها اعتراض کبی و شفاهی نسبت به نابسامانیها و فساد دستگاه است و جز حکومت قانون و آزادی چیزی نمی خواهند هراسناک باشد.

آیا راه رسیدن به تمدن بزرگ و دروازه های طلایی آن پس از ۲۵ سال دیکتاتوری و اختناق و صرف میلیارد ها دلار ثروت مملکت بدون هیچ مانع و رادع همین است که رهبران حزب فراگیر از پای هم مسلکان خود می گذارند؟

پیروز باد ملت

خبرها و تازه ها

تبعید روحانیان مبارز ادامه دارد

شهر روز جمعه یازدهم فروردینماه با شرکت هزاران تن از مردم اصفهان در مسجد حسین آباد نماز جماعت با امامت حجت الاسلام آقای حاج سید جلال الدین طاهری برگزار شد.

پس از پایان نماز جماعت این روحانی آگاه طی سخنان پرشوری مردم را به اتحاد و مبارزه دعوت نمودند. مسجد در تمام مدت نماز و سخنرانی در محاصره کامل پلیس بود ولی موقع سنجی و نظم شرکت کنندگان فرصتی برای حمله به مردم به آنها نداد. ساعتی بعد از پایان مجلس حجت الاسلام آقای طاهری دستگیر و به مهاباد تبعید شدند.

گماشتگان "دستگاه استبداد" که از ادامه مجلس های سوگواری و اجتماع مردم اصفهان سخت بیناک شده بودند در همین روز حجت الاسلام آقای سید محمناحمدی روحانی حق طلب و استاد دانشگاه را از اصفهان به سفر تبعید نمودند.

بمب گذاری در خانه حاج محمود مانیان

مبارز دیوپای نهضت ملی ایران

در جریان اقدامات درخشان بمب گذاری در خانه های مبارزان ملی توسط مأموران "دستگاه استبداد" که در پی عریضه جویی های گرداننده جناح پیشرو حزب فراگیر به نام "سازمان زیرزمینی انتقام"، خانه آقای حاج محمود مانیان، بازرگان آزاد یخواه و مبارز که از بنیادگزاران "جامعه بازرگانان و پیشه وران بازار تهران" بودند نیز در معرض "اولین هشدار" این سازمان قرار گرفت و پرتاب بمب در نیمه شب نوزدهم فروردینماه بخشی از خانه ایشان را ویران ساخت.

چون فوق العاده خبرنامه چند ساعت بعد از این "آدم ربایی و بمب گذاریها" انتشار یافت و این خبر دیررسید موفق به درج آن نگردید.

بولتن کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران

در جریان اعتصاب غذای زندانیان سیاسی قصر عدای از روشنفکران آزاد یخواه و استقلال طلب "کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران" را تشکیل دادند که در نخستین اعلامیه آن به تاریخ پانزدهم فروردینماه ذکر شده بود "این کمیته با استفاده از کلیه موازین قانونی داخلی و بین المللی خواهان آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی ایران می باشد".

در واپسین روزهای "اعتصاب غذا" این کمیته بر دامنه کوششهای خود افزود و با انتشار بولتن، مردم را در جریان آخرین رویداد های مربوط به زندانیان سیاسی

پیروزی به ۰۰۰۰ از صفحه ۲
به "شیئی رنگ و روغنی و هوس انگیز" در روابطه با القائنات امپریالیسم فرهنگی بیفایده بوده است و هنوز بسیاری زنائی که دوشادوش مردان به مبارزه ملی برخیزند و ندای آزاد یخواهی و استقلال طلبی نسل پیاخاسته سپهن را در کوجه ها و بازارها و حوزه های علمیه و دانشگاه ها بگوش همگان برسانند.

در مرحله سوم باید از پشتیبانی همه نیروهای مردمی از خواسته های مبارزان زندانی یاد کرد.

چه هم آهنگ شدن تمام فعالیت های افشاگرانه، تنظیم رابطه کوشش های داخل و خارج کشور و همکاری های نزدیک سازمان های سیاسی و حقوقی و دفاعی و مددکاری جامعه روحانیت به این دفاع تاریخی از زندانیان سیاسی عمومیت داد و امید به پیروزی را افزون ساخت.

در این میان توطئه جدید کارشناسان امنیتی که بنام حزب فراگیر و جناح های پیشرو و سازنده آن شکل گرفت و بدنبال یکرشته عریضه جویی و تحریک به ایجاد انفجار در خانه های مبارزان ملی و برپائی تظاهرات ساختگی انجامید بر خلاف تصور گماشتگان "دستگاه استبداد" از توجه عمومی به وضع خطرناکی که ادامه

"اعتصاب غذا" پدید آورده بود نکاست و تلگرافها و نامه های پی در پی سازمان های ملی و انعکاس آن در مراجع بین المللی و روزنامه های پراهمیت جهان و همدردی دانشجویان دانشگاه ها و سرانجام طرح مسئله تحصن طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم در منزل های مراجع تقلید در جمع "دستگاه استبداد" را در برابر مخاطرات جدیدی قرار داد و بهمین دلیل به گماشتگان خود دستور عقب نشینی داد و مبارزان دریند، پیروزمنده بخوابتهای خود دست یافتند و به همه مردم ایران که در زندان بزرگ استعمار و استبداد قرار دارند آموزش و رهنمون دادند که با اتحاد و تنظیم کوشش ها در خط عینی مورد قبول می توان به پیروزی رسید و دیوار قفس را شکست و به حرکت آزادی و استقلال شتاب داد.

قرار داد

نخستین شماره این بولتن در روز یکشنبه بیستم فروردین ماه و چهارمین شماره آن که خبر پیروزی زندانیان سیاسی را در برداشت روز پنجشنبه بیست و چهارم فروردین ماه انتشار یافت.

همدردی دانشجویان دانشگاه ملی

روز بیست و یکم فروردینماه دانشجویان دانشگاه ملی طی اعلامیه ای اعلام روزه داری کردند و در ضمن دانشگاه به تظاهرات پرداختند و با دادن شعارهایی همدردی خود را با زندانیان سیاسی اعتصابی بیان داشتند. در محوطه خارج دانشگاه، دانشجویان آزاد یخواه و استقلال طلب ایران مورد هجوم گارد یهای مزدور قرار گرفتند.

سراط غیرقانونی اتاق اصناف را برچینید

یادبود شهیدان یزد

به دعوت حضرت آیت الله صدوقی روز پنجشنبه هفدهم فروردینماه مجلس یادبودی برای شهیدان یزد که در روز چهارم شهیدان تبریز به خاک و خون کشیده شدند در مسجد روضه مهديه برپا گردید .
این مجلس بررغم خفقان وحشتی که پلیس در شهر ایجاد نموده بود با شرکت هزاران نفر در کمال نظم و آرامش تشکیل شد و مردم یزد به سوگ عزیزان خود نشستند .

حضرت آیت الله صدوقی نامهای هم برای "آیات عظام و مراجع بزرگ عالی مقام" فرستاده و در قسمتی از آن نوشتند "قوای انتظامی که خیابانها را با گارد مسلح بسته ، پلیس و ژاندارم از پشت ، جمعیت را تعقیب ، مردم بی اسلحه و بی دفاع را از چهار طرف محاصره و به گلوله و رگبار مسلسل و باتوم بستند ، مردم ناچار بودند که از کوچه ها عبور کنند ، غافل از آنکه مأمورین پلیس و ژاندارم قبلاً "کوچه ها را سنگر گرفته و در آنجا نیز با گلوله و مسلسل و قنداق تفنگ مردم را مضر و مجروح نمودند ، عده ای که تا کون شماره آنها معلوم نیست شهید و چندین برابر زخمی گردیدند و از دادن جنازه ها و عیادت مجروحین و دادن خون به آنها استنکاف ، تا چه به آنها بگرد" .

اعتصاب و تظاهرات دانشجویان دانشگاه اصفهان

روز یکشنبه بیستم فروردینماه دانشجویان دانشگاه اصفهان به نام همدردی با زندانیان سیاسی دست به اعتصاب غذائی یکروزه زدند و در اجتماع بزرگی خواهان آزادی بی قید و شرط برادران و خواهران زندانی شدند .
مأموران انتظامی دانشجویان را در داخل خیابانهای اطراف دانشگاه مورد هجوم وحشیانه قرار دادند و عده ای از آنها را زخمی و گروهی را بازداشت نمودند .
ضمن این هجوم پلیسی آقای عباس پورصادقی کارمند دبیرخانه دانشگاه بشدت آسیب دید و در حالت اغما به بیمارستان برده شد .

نامه به ملت ایران و دادستان تهران

نامهای زیر عنوان "برای اطلاع ملت ایران و دادستان تهران" با امضای آقای دکتر علی اصغر حاج سید جوادی نویسنده مبارز در روز ۲۲ فروردینماه در تهران منتشر شد .
در این نامه اقدامات و تحریکات غیرانسانی دستگاه استبداد با نام "سازمان زیرزمینی انتقام" برده برداشته شده است و در قسمتی از آن چنین آمده :
"بهرحال با این تهدیدها و تعقیبهای دائمی و ایجاد وحشت برای زن و فرزند من که ظاهراً بقصد ایجاد رعب و توطئه برای نابودی من صورت میگیرد برای من

خانواده ام امنیتی که قانون اساسی افراد ملت ایران را در بناه آن قرار داده است وجود ندارد ."

اعلام جرم به دادستان تهران

روز ۲۳ فروردینماه رونوشت تلگرافی که آقایان مهندس مهدی بازرگان و دکتر کریم سنجایی و مهندس سرحمت الله مقدم مراغی پس از ایجاد انفجار در خانه هایشان برای دادستان تهران فرستاده بودند در تهران منتشر شد که متن آن در زیر درج می گردد .

"جناب آقای دادستان شهرستان تهران: در ساعت ۱۱ بعد از ظهر و یک بعد از نیمه شب و دو بعد از نیمه شب ، شب گذشته (۱۳۵۷/۱/۱۹) سه بمب در منزل مسکونی اینجانبان مهندس مهدی بازرگان - دکتر کریم سنجایی و مهندس رحمت الله مقدم مراغه ای منفجر شده و خسارات هنگفتی ببار آورده است عاملین انفجار در هر سه مورد اعلامیه های مشابهی خطاب به صاحب منزل از خود بجای گذارده اند به این مضمون که "آقای این اولین هشدار سازمان زیرزمینی انتقام بشماست" مراتب بکلانتری های ۹ و نیاوران و کلانتری ۳ امانیه اعلام گردید و ضمن تشکیل پرونده مأمورین بمحل اعزام شدند با انجام تحقیقات و معاینه خسارات مراتب صورت مجلس گردید لذا ضمن اعلام جرم تقاضای تأمین جانی و مالی و رسیدگی به موضوع و تعقیب عاملین انفجار را داریم ."

نامه اعتراضی به نخست وزیر

روز دوشنبه ۲۸ فروردینماه نامهای خطاب به "جناب آقای آموزگار نخست وزیر" با امضای عده ای از مبارزان منتشر شد .
در ابتدای این نامه پس از اشاره به واقعه بی سابقه گذاشتن بمب در خانه آقایان مهندس بازرگان و دکتر کریم سنجایی و مهندس رحمت الله مقدم و حاج محمود مانیان و نیز ماجرای ربودن آقای دکتر حبیب الله بیان نوشته شده "گرچه خوب میدانیم که جنابعالی در تصمیم گیری هیچ اختیاری ندارید ولی چون در مقامی قرار دارید که بطور قانونی مسئول کلیه امور هستید این نامه بعنوان شما نوشته میشود ."

در این نامه نحوه و بناهیت اقدام در انفجار و آدم ربائی شرح داده شده و "وسایله ها و نقشه های که از طرف مغزهای بی منطق عاملان استبداد کشیده شده و به اجرا در می آید" بر ملا گردیده است .

در پایان این نامه تذکر داده شده "هیچ فرد حق طلب ایرانی از این تهدیدها و اوارعابها کمترین هراسی به دل راه نمی دهد و از تنهاراهی که برای احقاق حقوق از دست رفته خود در پیش گرفته بر نمی گرد و نتیجه ادما این گونه اعمال حکومت جز تغییر روش و سلامت امیز ملت و تبدیل آن به قهر و خشونت و آشوب نخواهد بود ."

پیش بسوی همبستگی همه نیروهای ملی برای استقلال ایران